

هرات را تندروی مذهبی تهدید میکند!

لغو کنسرت شفیق مرید در هرات، برای برخی از مردم این شهر، مخصوصاً تحصیل کرده‌های آن، شوک آور بود. معمولاً در افغانستان، هرات به عنوان یک شهر روشن و پیشرفته تر مد نظر گرفته میشود؛ تصور نمیرفت که یک آوازخوان افغان در چنین شهری، کنسرتش را، بنا به اقدامات یک مبلغ مذهبی به نام مجیب الرحمان، لغو کند و مقامات دولتی نیز زیر تاثیر این ملای تندرو، از این اقدام حمایت کنند.

عکس العمل برخی از جوانان در فیس‌بوک منجر به سازماندهی تظاهرات نسبتاً کوچکی در این شهر شد و یک گروه موسیقی به نام "آبی"، به عنوان اعتراض سرودهایی با ساز و آواز خوانند تا به قاری مجیب‌الرحمان نشان بدهند که در برابر اقداماتش ساکت نمی‌نشینند.

جالبتر آنکه این جوانان بیشتر از هر کسی از والی هرات توقع داشتند تا از برگزاری این کنسرت حمایت کند. اما از فراین چنین بر می‌آید که والی هرات نمیخواهد به دلیل مواجه شدن با یک قشر افراطی مذهبی، از چنین رویدادی حمایت کند. البته، ترس تکنوکرات‌های نیکتایی دار از ملاحای تندرو در دهسال گذشته، چیز عجیبی نبوده است.

تندروی مذهبی در هرات

مخالفان قاری مجیب‌الرحمان حق دارند که او را یک «ملای طالب» معرفی کنند. او کسی است که از عملیات انتحاری طالبان پشتیبانی مشروط میکند. او حاضر است که این عملیات را استشهادی توصیف کند. پس جای تعجب ندارد که این خطیب تندرو، از نظام ارزشی و سیاسی طالبان نیز دفاع کند. آنها خواسته‌های مشترک فراوانی دارند. از جمله آقای مجیب‌الرحمان مخالف حضور همزمان مردان و زنان در یک مکان بوده و موسیقی را از جمله منکرات به حساب می‌آورد. با چنین عقایدی، قاری مجیب‌الرحمان ملا تندرو با عقاید و هابی است که با رژیم مانند طالبان مشکلی ندارد.

اما جالب است بدانید که او یک ملای با نفوذ در شهر هرات می‌باشد؛ شهری که نویسندگان از آن به‌عنوان یک شهر روشن و مترقی دفاع می‌کنند. این شهر طرفداران متعصب زیادی دارد. اما برای باشندگان آن، یک شهر بسته مذهبی است که بیشتر از شاعران و نویسندگان، ملاحای تندرو ضد تجدد دارد. همین شهر، تا مرز جنگ‌های فرقه‌ای- شیعه و سنی- پیشرفته است و در آنجا احساسات ضد تشیع و تسنن در همان معنای فرقه‌ای‌اش، به شدت سازمان دهی شده و پراورژی است.

سازمان‌دهندگان کمپاین فیس‌بوکی «افراطگرایی بس است!» در حالی علیه این ملای تندرو اعتراضات را سازمان دهی کردند که او به‌عنوان مبلغ مذهبی در مسجد گازرگاه هرات، در نمازهای جمعه به مردم وعظ و نصیحت میکند و بنا به توانایی زیاد در سخنرانی، دسته‌های زیادی از نمازگزاران به سخنانش گوش داده و با او هم‌نوا می‌کنند. این خود چنان نفوذ سیاسی و اجتماعی به قاری مجیب‌الرحمان داده است که میتواند باندی از بچه‌های موتورسیکل سوار ایجاد کند و از آنها برای ارباب عمومی بهره‌بردار. در عین حال، مقامات بخاطر نفوذ مذهبی‌اش با او مدارا می‌کنند.

جنگ جدید و کهنه

لغو کنسرت زیر تاثیر یک ملای بنیادگرا، پیام خوبی برای ترقی اجتماعی شهر هرات ندارد. بدون شک، موضوع تنها لغو کنسرت نیست، بلکه مسأله قدرتمند شدن ملاحای تندرو مذهبی در یکی از شهرهای بزرگ افغانستان است. این ملاحا و مبلغین، اسلامی را در بین مردم تبلیغ می‌کنند که با پیشرفت اجتماعی مخالف است؛ با مظاهر تمدن جدید مانند موسیقی و کار مردان و زنان مخالف است؛ گروه‌های تروریستی مانند طالبان را ستایش میکند و در نهایت رژیم‌های خود را در این کشور حاکم می‌سازد.

نفوذ قاری مجیب‌الرحمان از اعتبار مذهبی او ناشی می‌شود. وقتی با چیزی مخالفت و یا موافقت می‌ورزد، از اسلام به مردم می‌گوید؛ مردمی که غالباً گمان می‌برند ملاحا و خطیبان مساجد مفسران و سخنگویان راستین شریعت و خداوند در روی زمین‌اند. برای همین هر وقتی می‌گوید فلان کار مخالف اسلام است، از والی تا رئیس و مردم عادی در برابرش سکوت می‌کنند.

دپاڼو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلپکنی د لپکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

دست‌کم در هرات این پروسه خطرناک است. زیرا احتمال دارد اسلام طالبانی که منشأ اصلی آن کشورهای عربی است، جای اسلام سنتی مردم عادی را که تا حد زیادی نسبت به اسلام طالبانی اهل تساهل و مروت است، بگیرد. هرات، همانند سایر شهرهای افغانستان، یک شهر آسیب‌پذیر به لحاظ نفوذ گروه‌های تندرو مذهبی است. مشکلات و نابسامانی‌های کشور ما فراوان است، شکست‌های پی‌در پی و ناکامی‌های اجتماعی و سیاسی ما در طول سه دهه گذشته باعث شده است تا همیشه به دنبال نجات‌دهنده‌ای باشیم که ما را از این وضعیت خلاص کند. گروه‌های مذهبی تندرو معمولاً خلی بحران هویت و رهبری سیاسی و انبوهی از نامرادی و ناامیدی را پر می‌کنند. زیرا، می‌گویند همه‌ی مشکل در این است که جامعه به اصول اسلامی پایبند نیست. فساد در ارض خدا گسترده شده است و ما به همین خاطر دچار مصیبت و از خود بیگانگی شده‌ایم.

انقلاب اسلامی ایران با همین موعظه و بشارت به قدرت رسید؛ اخوان‌المسلمین که القاعده از دل آن برخاسته است، از همین وضعیت استفاده کرده و اکنون قدرت را در مصر به چنگ گرفته است. تندروان مذهبی معمولاً طرفدار یک حکومت مطلقه بوده و دست آورده‌های تمدن امروز را گمراه‌کننده و خلاف اسلام می‌دانند. آنها برای رفع عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی ما فقط اصول اخلاقی شدید و گذشته‌گرا را تحمیل می‌کنند که بجای رفع عقب ماندگی تاریخی ما، آنرا تشدید می‌بخشند.

ولی با این حال، پیام گروه‌های تندرو مذهبی حتی در بازرترین جوامع اسلامی و غربی خریداران فراوان داشته است. در مورد هرات می‌توانیم بگوئیم که جامعه محافظه‌کار آن با سیاسی شدن و تندرو شدن هویت دینی اش، میتواند از درون متحول شود. جوانانی که امروز در خیابان‌ها برای تسلط قاری مجیب‌الرحمان موترسیکل سواری میکنند، این و آن را می‌ترسانند، فردا در این جامعه و در این شهر صاحب نفوذ و مقام می‌گردند. به صراحت باید گفت که نفوذ تندروی مذهبی در یک جامعه‌ی محافظه‌کار مانند هرات در نبود نهادها و جریان‌های مذهبی اصلاح طلب، اسلام‌گرایی از نوع طالبانی و وهابی را نهادینه می‌سازد.

منبع: "8 صبح"